



جلسه هفتم

اهداف جنگ

بطور کلی هیچگاه نمی‌توان جنگی را نکوهش و انتقاد کرد. همه جنگها بد ، ناشایسته ، ضد انسانی و وحشتانه نیستند. بلکه برعکس بسیاری از آنها حق طلبانه ، انسانی بوده و شرف و حیثیت افراد بشر در گرو همان جنگها است .

در جنگ نیز مانند هر مقوله اجتماعی دیگر ، اهداف کوتاه مدت و دراز مدت مد نظر می‌باشد و برای رسیدن به آن اهداف تاکتیکها و استراتژیهای گوناگون بکار گرفته می‌شود. اما اگر در یک عبارت بخواهیم هدف نهایی جنگها را ذکر کنیم، باید بگوییم که هدف نهایی همه جنگها همان تسلیم نمودن دشمن است .

عقاید اندیشمندان علوم اجتماعی در مورد اهداف جنگها

پیروزی بر رقیب برای ملزم ساختن او به انقیاد تام
کسب اراضی و دارایی‌های دشمن اعم از سیم و زر و جواهرات آنها
دفاع از خود در مقابل ادعاهای دشمن
تحمیل ادعاهای خود بر دشمن و اجبار او به قبول آنها

اهداف اقوام ابتدایی درباره جنگ

غنیمت و غارت خوراک و ابزارهای مادی
بیگانه ترسی یا پیشگیری از حملات گروههای دیگر
خود نمایی قدرت مانند شجاعت و قدرت نهایی



تلافی جویی

اهداف جنگ در جوامع متمدن امروزی

اهداف جنگ در این جوامع پیچیده و متعدد است. چون انگیزه‌های ستیزه جویی که پایه و زیر بنای اهداف می‌باشند، نیز ناشی از مقتضیات زندگی اجتماعی گوناگون است. و علل آنها را باید در روابط اجتماعی بین المللی جستجو نمود. سیاستمداران جنگ را ابزار و وسیله‌ای می‌دانند، که برای رسیدن به مقاصد سیاسی استفاده می‌شوند و این مقاصد سیاسی بالاتر از شکست دشمن می‌باشند.

عقیده کلوزه ویتز (Clausewitz) درباره اهداف جنگ

او معتقد است که هدف جنگ از بین بردن جمعیت و انهدام کامل دشمن نیست، بلکه هدف از بین بردن قدرت دولت رقیب است. از دید وی جنگها محدود، جزئی از یک کل که سیاست نامیده می‌شود، تلقی می‌گردند. به عبارت دیگر جنگها قسمتی از روابط سیاسی دولتها هستند و هرگز نباید آنها را اموری مستقل محسوب نمود.

به همین دلیل او دیپلماسی و استراتژی را دو روی یک سکه دانسته و دیپلماتها و سربازان را همکار و یاور یکدیگر معرفی کرده است که با شکست یکی دیگری وارد صحنه می‌گردد. به عقیده ریمون آرون (Raymond Aron) جنگ در اندیشه کلوزه ویتز مانند اندیشه ماکیاول فقط وسیله‌ای در خدمت یک هدف برتر یعنی سیاست

مفهوم جنگ در اندیشه های معاصر

مفهوم "جنگ"، تعبیر و واژه ای است که در اندیشه های نوین حقوق بین الملل دارای خاستگاه خاصی می باشد. از این رو هر کدام از اندیشمندان، حقوقدانان و متفکران غربی به فراخور دانش خویش، ...

مفهوم "جنگ"، تعبیر و واژه ای است که در اندیشه های نوین حقوق بین الملل دارای خاستگاه خاصی می باشد. از این رو هر کدام از اندیشمندان، حقوقدانان و متفکران غربی به فراخور دانش خویش، به

تبیین دیدگاه خود در تحلیل این مفهوم مبادرت ورزیده اند. "اپنهیم" (openhiem) در تعریف خویش از جنگ بیان می‌دارد: "جنگ عبارت است از جدل بین دو دولت از طریق نیروی نظامی و قوای



مسلحانه با هدف غلبه و تفوق بر یکدیگر و اعمال شرایط دلخواه توسط طرف پیروز". "وردوس" (Verdoss) جنگ را جدلی مسلحانه بین دولت ها تلقی می نماید که در طی آن کلیه روابط صلح آمیز و مسالمت بار به حالت تعلیق و وقفه درآمده است. در تعریفی دیگر آمده است، "جنگ عبارت از مجموعه ای از اقدامات و عملیات مسلحانه و قهرآمیز است که در چهار چوب مناسبات کشورها رخ داده و موجب اجرای اصول و قواعد خاصی در مناسبات بین دو کشور و حتی در مناسبات با دیگر کشورهای ثالث نیز می گردد". با آنکه در تعریف مفهوم جنگ بین اندیشمندان غربی اتفاق نظر وجود ندارد، ولی می توان وجه اشتراک این تعاریف را در شاخصه های ذیل اجمالاً مورد بررسی قرار داد:

۱) عاملین جنگ؛

همان گونه که بیان گشت، جنگ عبارت از نبرد مسلحانه بین دو دولت است. با این توصیف، نخستین وجه اشتراک تعاریف جنگ مربوط به عنصر عامل جنگ می باشد. به عبارت دیگر عاملان جنگ، دولت ها و کشورها می باشند. "ژان ژاک روسو" در این باره اذعان می دارد که جنگ به هیچ روی، رابطه بین انسان با انسان نبوده، بلکه جنگ رابطه ای است بین کشور با کشور دیگر که در این رابطه، افراد انسانی نه به عنوان انسان با انسان بلکه تحت عنوان شهروند به دفاع از کشور خود با کشور دیگری نبرد می نمایند.

۲) انگیزه جنگ؛

بی تردید جنگ مبتنی بر اقدامات قهرآمیز و مسلحانه می باشد که بر اراده قطعی عاملان آن اتکاء دارد. انگیزه، نیت و قصد از درگیری در جنگ، انجام تدابیر و عملیات خصمانه و مسلحانه و در واقع تنیدن روابط مسالمت آمیز و دیپلماتیک می باشد. در این مفهوم، انگیزه جنگ به نیت خصمانه ضمنی (Implied Belligerent Intent) موسوم می باشد.

۳) نوع عملیات؛

اعمال خشونت و انجام اقدامات خشونت آمیز از ویژگی های مشترک جنگ ها و نبردهای بین المللی می باشد. بنابراین استفاده از زور و توسل به قوای نظامی از شرایط و نشانه های تداوم نبرد مسلحانه و



عملیات جنگی است. البته باید خاطر نشان نمود با تعلیق عملیات نظامی، یک حالت و وضعیت جدیدی حادث می گردد که موسوم به "حالت نه جنگ و نه صلح" است و وضعیت "ترک مخاصمه" یا "آتش بس" نام دارد. همچنین جنگ با حالت یا وضعیت جنگی نیز تفاوت دارد. در حالت جنگی، وضعیت استراتژیک جدیدی بدون کاربرد نیروی نظامی و قوای مسلحانه شکل می گیرد.

(۴) غایت و هدف؛

عملیات جنگی و نبردهای مسلحانه در طول تاریخ دارای اهداف و غایت های مختلفی بوده اند. به عنوان نمونه می توان به اهدافی چون کشورگشایی، دفاع مشروع، تضمین امنیت و منافع ملی، تغییر نظام حقوقی، دفاع مشروع و از این قبیل اشاره نمود. در عبارتی کوتاه می توان بیان نمود که جنگ عبارت است از نبرد مسلحانه بین دو یا چند دولت با انگیزه خصمانه و با اتخاذ اقدامات و عملیات نظامی که ممکن است سرپوشی از اهداف منافع ملی یا بین المللی و انگیزه های مشروع یا غیرمشروع را داشته باشد.